

نقدی بر گذار ناتمام از مفهوم به ضابطه در معماری ایرانی-اسلامی؛ بررسی انتقادی اسناد سیما و منظر شهری قم



زهرآ عباسی

گروه معماری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

تلاش برای بازشناسی و احیای هویت ایرانی-اسلامی در معماری و شهرسازی طی چند دهه اخیر به یکی از محورهای سیاست‌گذاری فضایی در ایران تبدیل شده است. در این میان، مجموعه‌ای از قوانین، مصوبات و دستورالعمل‌های ملی و محلی، به‌ویژه در حوزه سیما و منظر شهری، با هدف ساماندهی نماها و ارتقای هویت کالبدی شهرها تدوین شده‌اند. با وجود این، استمرار ناهماهنگی‌های بصری در شهرهایی همچون قم، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا مفاهیم معماری ایرانی-اسلامی در این اسناد از سطح ارزش‌ها و توصیه‌های کلی به معیارهای روشن، قابل سنجش و قابل اجرا تبدیل شده‌اند؟ نقد حاضر با رویکرد تحلیلی-انتقادی، اسناد فرادست مرتبط با هویت معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی و دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم را در دو محور بررسی می‌کند: نخست، کفایت مفهومی و عملیاتی معیارهای ارائه‌شده و دوم، میزان پیوند میان ضابطه، سازوکار اجرا و واقعیت کالبدی شهر. بررسی انتقادی نشان می‌دهد که اگرچه اسناد موجود در تثبیت گفتمان هویت ایرانی-اسلامی و طرح موضوعاتی همچون هماهنگی با زمینه، مصالح، رنگ، تناسبات، حریم و کیفیت منظر نقش مهمی داشته‌اند، در بسیاری موارد معیارها فاقد تعریف دقیق و سنججهای ارزیابی هستند. از سوی دیگر، تعدد نهادهای سیاست‌گذار، ضعف ضمانت اجرایی، نبود چک‌لیست‌های دقیق، محدودیت سازوکارهای نظارت و بی‌توجهی کافی به عوامل اقتصادی و مشارکت شهروندان، فاصله میان «خواست سیاستی» و «تحقق کالبدی» را تشدید کرده است. بر این اساس، مسئله اصلی نه فقدان کامل ضابطه، بلکه گذار ناتمام از مفهوم به معیار، از معیار به سازوکار اجرا و از اجرا به ارزیابی است.

واژگان کلیدی: معماری ایرانی-اسلامی، سیما و منظر شهری، ضوابط نما، نقد سیاست‌گذاری

مهم‌ترین کاستی‌های محتوایی و اجرایی اسناد ساماندهی سیما و منظر شهری قم در تبدیل مفاهیم معماری ایرانی-اسلامی به ضوابط روشن و زمینه‌مند چیست؟

مقدمه و بیان مسئله

سیما و منظر شهری حاصل تعامل عوامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی است و کیفیت آن را نمی‌توان صرفاً به ویژگی‌های ظاهری نماهای ساختمانی محدود کرد. نما، اگرچه یکی از آشکارترین مؤلفه‌های منظر شهری است، فراتر از یک مسئله زیبایی‌شناختی، با هویت، فرهنگ، نظام اجتماعی، منافع اقتصادی و سیاست‌گذاری شهری ارتباط دارد. از این‌رو، ساماندهی سیما و منظر شهری نیازمند پیوند میان ارزش‌های هویتی، ضوابط طراحی، نظام نظارت و فرایند تحقق کالبدی است. در ایران، توجه به هویت اسلامی-ایرانی در شهرسازی و معماری به تدریج وارد قوانین و اسناد رسمی شده است. ماده ۱۶۹ قانون برنامه پنجم توسعه، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران را به سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی اسلامی-ایرانی مکلف کرد (قانون برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹). در ادامه، ضوابط و مقررات ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری در سال ۱۳۸۷ و سند جامع ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری در سال ۱۳۹۱ تصویب شدند و موضوع کیفیت سیما و منظر را وارد نظام رسمی برنامه‌ریزی و ضابطه‌گذاری شهری کردند (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۷؛ ۱۳۹۱). همچنین، تصویب ضوابط و شاخص‌های لازم‌الرعایه جهت بازیابی هویت شهرسازی و معماری اسلامی-ایرانی در سال ۱۳۹۱، تلاشی برای تبدیل مفهوم هویت اسلامی-ایرانی به مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ضوابط بود. با وجود این اقدامات، بخشی از مفاهیم کلیدی این اسناد همچنان کلی و تفسیربردار است و پرسش مهمی درباره میزان شفافیت، قابلیت سنجش و امکان اجرای آن‌ها مطرح می‌شود. این مسئله در سند ملی شهرسازی و معماری اسلامی-ایرانی مصوب ۱۴۰۳ نیز اهمیت دارد؛ زیرا این سند ضمن تأکید بر احیای هویت اسلامی-ایرانی و ساماندهی سیما و منظر شهری، بر بازنگری ضوابط و تقویت ضمانت‌اجرایی آن‌ها تأکید کرده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۳). همچنین، ضوابط عمومی طراحی نمای بناهای شهری مصوب ۱۴۰۲، با تأکید بر تعیین و تدقیق شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی و معماری بومی و بومی‌سازی ضوابط، ضرورت تبدیل مفاهیم کلی به معیارهای اجرایی را مورد توجه قرار داده است (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران،

۱۴۰۲). این موضوع در شهر قم اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم بر رعایت معماری اصیل ایرانی-اسلامی و الگوی معماری بومی قم تأکید دارد و معیارهایی همچون شکل، مقیاس، مصالح، رنگ و تناسبات را مطرح می‌کند (سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم، ۱۳۹۹). باین حال، مفاهیمی مانند «معماری اصیل ایرانی-اسلامی»، «معماری بومی قم»، «فرم نامتعارف» و «هماهنگی با محیط» تا چه اندازه دارای تعاریف دقیق و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری هستند؟ نبود معیارهای روشن می‌تواند زمینه تفسیرهای متفاوت در طراحی، بررسی و تصویب نما را فراهم کرده و فاصله میان اهداف ضوابط و نتایج کالبدی را افزایش دهد. از سوی دیگر، استمرار ناهماهنگی‌های بصری در شهر قم را نمی‌توان صرفاً به ضعف محتوایی یا عدم اجرای ضوابط نسبت داد. تعدد اسناد و مراجع تصمیم‌گیر، محدودیت‌های نظارتی، عوامل اقتصادی ساخت‌وساز، هزینه مصالح، ترجیحات مالکان و مصرف‌کنندگان، منافع سازندگان و میزان مشارکت شهروندان نیز می‌توانند در شکل‌گیری این شکاف مؤثر باشند. بنابراین، مسئله اصلی نقد حاضر، صرفاً بررسی وجود یا فقدان ضوابط نیست، بلکه ارزیابی کارآمدی محتوایی و اجرایی آن‌ها و میزان تبدیل مفاهیم هویتی به معیارهای روشن، قابل سنجش و قابل اجرا است. بر این اساس، مسئله محوری نقد حاضر در قالب شکاف میان مفهوم ضابطه و تحقق کالبدی بررسی می‌شود؛ به این معنا که مفاهیم معماری ایرانی-اسلامی در اسناد ملی و ضوابط شهر قم تعریف و بررسی شود و نحوه عملیاتی شدن عواملی که موجب فاصله میان ضوابط و واقعیت کالبدی سیمای شهر قم شده‌اند مشخص گردد.

بدنه نقد

هویت معماری ایرانی-اسلامی مفهومی چندلایه است و نمی‌توان آن را به چند نماد، فرم یا عنصر تزئینی تقلیل داد. در این چارچوب، مؤلفه‌هایی همچون رابطه بنا با زمینه، مقیاس و تناسب، حریم و همجواری، ارتباط با طبیعت، مصالح و رنگ و سازمان فضایی در کنار جنبه‌های نمادین اهمیت می‌یابند. از این رو، هنگامی که چنین مفاهیم کیفی و چندلایه‌ای وارد نظام ضوابط شهری می‌شوند، نیازمند فرایندی روشن برای تعریف، شاخص‌سازی و عملیاتی شدن هستند؛ در غیر این صورت، مفاهیمی مانند «صالت»، «هویت»، «هماهنگی» و «معماری ایرانی-اسلامی» در سطح گزاره‌های ارزشی باقی می‌مانند و به معیارهای قابل ارزیابی تبدیل نمی‌شوند. نما در مقیاس شهری نه یک سطح مستقل و منفرد، بلکه بخشی از ساختار فضایی و بصری شهر است که در ارتباط با بناهای مجاور، خیابان، فضای عمومی، زمینه تاریخی و فرهنگی، شرایط اقلیمی و نحوه ادراک شهروندان معنا پیدا می‌کند. از این رو، نقد ضوابط نما نباید صرفاً به بررسی فهرست مصالح، رنگ‌ها، ارتفاع یا عناصر تزئینی محدود شود، بلکه لازم است نسبت میان ضابطه و مجموعه‌ای از ارزش‌های کالبدی، فرهنگی، ادراکی، اجتماعی و محیطی مورد توجه قرار گیرد. در ادبیات معاصر طراحی شهری نیز کیفیت محیط شهری حاصل تعامل ابعاد مورفولوژیک، بصری، ادراکی، اجتماعی، عملکردی و زمینه‌ای دانسته می‌شود و نمی‌توان آن را به یک بعد منفرد فروکاست (Carmona, 2021).

در معماری ایرانی-اسلامی نیز کیفیت کالبدی بنا و شهر در پیوند با مجموعه‌ای از اصول ارزشی و فضایی شکل گرفته است. مفاهیمی که صرفاً زیبایی‌شناختی نیستند؛ بلکه به نحوه سازمان‌یابی رابطه انسان، فضا، فرهنگ و محیط مربوط می‌شوند. بنابراین، هنگامی که ضوابط نما با هدف حفظ هویت معماری و ساماندهی سیمای شهری تدوین می‌شوند، انتظار می‌رود این اصول

از سطح مفاهیم کلی به معیارهایی تبدیل شوند که بتوانند در فرایند طراحی و ارزیابی نما راهنمای تصمیم‌گیری باشند. بر این اساس، مهم‌ترین نکته در بررسی ضوابط نمای قم، نه صرفاً وجود واژه‌هایی مانند «هویت»، «هماهنگی»، «معماری ایرانی-اسلامی» یا «زیبایی» در متن ضوابط، بلکه چگونگی تبدیل این مفاهیم به اصول روشن و قابل استفاده در طراحی و ارزیابی نماست. این چارچوب، اصول معماری ایرانی-اسلامی به‌عنوان مبانی هنجاری و مفهومی، مستقیماً معادل ویژگی‌های شکلی نما در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بلکه از طریق فرایند ترجمه مفهومی به نموده‌ها و شاخص‌های معماری، امکان سنجش تجربی پیدا می‌کنند. از این‌رو، وجود یک عنصر سنتی مانند قوس، کتیبه یا تزئینات هندسی به‌تنهایی نمی‌تواند بیانگر هویت ایرانی-اسلامی تلقی شود؛ بلکه میزان انطباق سازمان فضایی و کالبدی نما با اصولی همچون وحدت، تناسب، حریمیت، مقیاس انسانی، زمینه‌گرایی و بوم‌آوردی اهمیت اساسی دارد. این تمایز، امکان بررسی معماری معاصر را بدون گرفتار شدن در رویکرد تقلیدی و بازتولید صوری عناصر تاریخی فراهم می‌کند. در نتیجه، هماهنگی با زمینه، پیوستگی جداره، تناسبات، مقیاس انسانی، کنترل حریم، خوانایی، کیفیت مصالح، تداوم بصری و انسجام میان اجزای نما از جمله مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند میزان تحقق این اصول را در معماری معاصر آشکار سازند. در جدول ۱ به نظریات مطرح در این زمینه و ارتباط آن با سیمای شهر اشاره می‌گردد.

مرور دیدگاه‌های مطرح در حوزه معماری ایرانی اسلامی نشان دهنده طیف متنوعی از اصول و معیارهاست. این معیارها در لایه‌های مختلفی از سیمای شهر تا معماری در جریان است. توجه به روح معماری ایرانی-اسلامی در طراحی نمای ساختمان، بیش از بازتولید عناصر تاریخی، به بازخوانی اصول و منطق فضایی نهفته در این معماری مربوط است. نما به‌عنوان یکی از آشکارترین عناصر معماری در منظر شهری، در شکل‌دهی به تجربه بصری، هویت و کیفیت محیط نقش دارد؛ از این‌رو، طراحی منفرد و بی‌ارتباط با زمینه می‌تواند به گسست در سیمای شهری منجر شود (Pineda-Zumarana & Alpaca-Chavez, 2024). پژوهش‌های جدید نیز نشان می‌دهند که ویژگی‌های نما، از جمله مصالح و نحوه شکل‌گیری عناصر بصری، می‌توانند در ادراک حس مکان و هویت شهری نقش داشته باشند (Chen et al., 2025).

در ایران، توجه به کیفیت سیما و منظر شهری طی چند دهه گذشته به‌تدریج از سطح مباحث نظری به حوزه سیاست‌گذاری و ضوابط اجرایی وارد شده است. در مصوبه «ضوابط و مقررات ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری» شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۵، هدف از تدوین ضوابط، «ارتقاء کیفی بصری و ادراکی سیما و منظر شهری»، ساماندهی سیما و منظر، احیای فرهنگ معماری و شهرسازی گذشته و جلوگیری از ناهماهنگی‌های بصری و کارکردی اعلام شده است (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۷). همچنین در همین مصوبه، منظر شهری به مجموعه عناصر طبیعی و مصنوع قابل مشاهده از عرصه‌های عمومی و «نما» به سطوح نمایان ساختمان‌ها که از معابر قابل مشاهده‌اند، تعریف شده است. این تعریف از آن جهت اهمیت دارد که نما را از یک موضوع صرفاً معماری به بخشی از تجربه عمومی شهر ارتقا می‌دهد. مصوبه مذکور همچنین ایجاد «کمیته‌های ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری» را برای ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط پیش‌بینی کرده است. در ادامه این روند، مصوبه «ضوابط عمومی نمای بناهای شهری» شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، مصوب ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ و ابلاغ‌شده در ۱۴۰۳/۲/۲۵، رویکرد صریح‌تری نسبت به هویت ایرانی-اسلامی اتخاذ کرده است. در مقدمه مصوبه، «ایجاد زمینه‌های

تحقق شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی و معماری بومی»، «فراهم آوردن زمینه ظهور و بروز هویت مکان در نماهای شهری»، هماهنگی نما با ویژگی‌های بستر طبیعی، تاریخی و فرهنگی و کاهش ناهماهنگی‌های بصری از اهداف اصلی ذکر شده است (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۴۰۲). اهمیت این مصوبه در آن است که برخلاف رویکرد صرفاً توصیه‌ای، کمیته‌های ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری را موظف می‌کند شاخص‌های «معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی» و «معماری بومی» را تعیین و تدقیق کنند و آنها را مبنای تکمیل و بومی‌سازی ضوابط عمومی نما قرار دهند. همچنین مصوبه تصریح می‌کند که این ضوابط باید در طرح‌های جامع و تفصیلی هر شهر، متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، طبیعی و تاریخی بستر، تدقیق و بومی‌سازی شده و مبنای صدور مجوزهای ساختمانی قرار گیرند. از منظر انتقادی، همین بخش از مصوبه ۱۴۰۳/۱۴۰۲ یکی از مهم‌ترین نقاط قابل بحث را آشکار می‌کند: اصل هویت‌محوری در سطح سیاست‌گذاری به رسمیت شناخته شده، اما بخش مهمی از فرایند تبدیل آن به شاخص‌های دقیق به سازوکارهای بومی‌سازی در سطح شهر واگذار شده است. بنابراین، صرف وجود عباراتی مانند «معماری ایرانی-اسلامی»، «معماری بومی»، «هویت مکان» یا «هماهنگی با بستر» برای ایجاد یک نظام ارزیابی کافی نیست؛ بلکه باید مشخص شود این مفاهیم در هر شهر دقیقاً با چه مؤلفه‌هایی تعریف می‌شوند، چگونه به معیارهای طراحی تبدیل می‌شوند و بر اساس چه سنجه‌هایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. نکته قابل توجه آن است که خود مصوبه جدید نیز بر ضرورت تعیین و تدقیق شاخص‌ها تأکید کرده است. در مورد شهر قم، دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم در همین چارچوب قابل بررسی است. با وجود ابلاغ این آیین‌نامه از نظر اجرایی و عملی، نماهای شهر قم ناهماهنگ و نامتناسب و حتی در برخی موارد مغایر و متضاد آیین‌نامه‌های مصوب نما ارزیابی کرد. به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود ضوابط مشخص در خصوص طراحی و اجرا، نماها از این قواعد پیروی نکرده و بنابراین این ضوابط در اجرا چندان موفق عمل نکرده‌اند. تحقق‌پذیری ضوابط ضعیف ارزیابی می‌شود برخی اشکالات در ضوابط عنوان شده اند ولی در اجرا موفق نبوده‌اند. هدایت نماها به طور تصادفی و غیر مدیریتی صورت گرفته که نشان دهنده عدم تسلط مدیریت شهری در حیطه اجرای نماهاست (Majidi & Afzali, 2026) (تصویر ۱).

مسئله اصلی ضوابط سیما و منظر شهری قم، فقدان توجه به هویت ایرانی-اسلامی نیست، بلکه ناتمام ماندن فرایند تبدیل این مفهوم به معیارهای روشن، قابل سنجش و قابل اجراست. مفاهیمی مانند «اصالت»، «هویت»، «هماهنگی با محیط» و «معماری ایرانی-اسلامی» در برخی موارد فاقد تعریف عملیاتی و ابزار ارزیابی دقیق‌اند و زمینه تفسیرهای متفاوت را فراهم می‌کنند. از این رو، بهبود کیفیت منظر شهری قم بیش از تولید اسناد جدید، به یکپارچه‌سازی ضوابط موجود، شاخص‌سازی، تقویت نظارت و پیوند مؤثر میان ضابطه و واقعیت کالبدی نیاز دارد.



تصویر ۱. تفاوت در سبک طراحی در بناهای تجاری و آموزشی، عدم توجه به تراکم و اختلاف ارتفاع در بدنه، تأثیر مستقیمی بر ناهنجاری سیما شهری دارد. مأخذ: نگارنده.

جدول ۱. مروری بر نظریات مطرح در حوزه معماری اسلامی و تاثیر آن بر مؤلفه های کالبدی نما. ماخذ: نگارنده بر گرفته از منابع داخل جدول.

دیدگاه	اصل	نمود	شاخص	منبع	مؤلفه‌های متأثر از شاخص‌ها در کالبد نما
سبک از ظاهر به باطن	تذکر	وحدت	سلسله مراتب	حبیبی، ۱۳۷۸	رده‌بندی فضایی، کالبدی و عملکردی، رده‌بندی در نگاره‌ها
			نمادگرایی	نقی‌زاده، ۱۳۹۲	وجود فرم‌های سنتی (گنبد، قوس)، کتیبه و نوشته‌ها کاربرد رنگ و بی‌رنگی‌های واجد ارزش
			طبیعت گرایی	Burckhardt, 1967/1990	حضور گیاه، آب و درخت و استفاده از ویژگی‌های طبیعی شکل زمین
			نور	Nasr, 1987/1996 نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۷	استفاده از مصالح جلوه‌گر نور در بناهای مذهبی و شاخص
			تزئین	Nasr, 1987/1996	کاربرد تزئینات (طرح‌های هندسی و اسلیمی) در بناهای مذهبی و شاخص
سبک مدرن	زیبایی	نسبت و تناسب اجزا	رمز و راز	حبیبی، ۱۳۷۸ نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۷	استحکام بصری نما و پیمون‌بندی تناسب ورودی، کنج‌ها، پیش‌آمدگی‌ها و مصالح پیچیدگی
			همه شمولی	Naghizadeh, 2013	بر خور داری از هوا و نور طبیعی
			امنیت و آرامش	۱۳۷۶، فارابی	حس امنیت آسایش اقلیمی
سبک معاصر	حریم	حریم بصری	تعادل	Tavasoli, 1986	توزیع عادلانه و متناسب بودن اجزا
			حریم صوتی	Naghizadeh, 2006	عدم اشراق به فضای خصوصی مسکونی عدم اشراق به درها و پنجره‌های مجاور عدم مزاحمت ارتفاع و زائده‌های مرتفع ساختمان
			حریم بصری	۱۳۸۱، حکیم پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۴	عدم اشراق به فضای خصوصی مسکونی عدم اشراق به درها و پنجره‌های مجاور عدم مزاحمت ارتفاع و زائده‌های مرتفع ساختمان
			حریم صوتی	Tavasoli, 1986 Naghizadeh, 2006	استفاده از مصالح عایق صدا و عدم وجود روزه‌های عبوردهنده صدا

دیدگاه	اصل	نمود	شاخص	منبع	مؤلفه‌های متأثر از شاخص‌ها در کالبد نما
نسبت و تناسب	مقیاس انسانی	قلمرو	محسوریت	پیرنیا معماریان، ۱۳۷۴	نسبت مناسب بدنه به عرض فضاها و عدم وجود فضاهای خطی یکنواخت
			احساسات انسانی	Tavassoli & Bonyadi, 1992	وجود فضاهای نیمه‌عمومی / نیمه‌خصوصی
			کارایی	پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۴	حس نزدیکی، حفاظت و امنیت
استانیک	ایستایی	فن ساختمان	کاربردی بودن اجزا	نقره‌کار، ۱۳۸۹	استفاده از تزئینات با هویت عدم به کارگیری نقوش و تزئینات بیگانه
			استانیک	پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۴	انعطاف‌پذیری بنا
			مصلح شناسی	Tavassoli & Bonyadi, 1992	استحکام سازه‌ای بنا و مقاومت در برابر حوادث غیرمترقبه
پایداری	قلیم	بوم‌آوردی	سبک، بافت و مصالح	پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۴	شناخت و کاربرد صحیح و جزئیات ساختمانی و اجرایی
			رنگ و نور	بهزادفر، ۱۳۸۹	شناخت و کاربرد صحیح مصالح
			فرم و فضا	Falamaki, 2010	استفاده از مصالح بوم‌آورد و استفاده از تکنیک‌های ساخت موجود
زمینه‌گرایی	غناي حسی	نماد و نشانه	ارکان و اجزا	Alexander 2016	در نظر گرفتن تأثیرات اقلیمی و بومی بر سبک، بافت و مصالح نما
			مقیاس و ابعاد	حبیبی، ۱۳۸۷	توجه به رنگ، نور و روشنایی
			خوانایی و نفوذ پذیری	Lynch, 1960/2016	رعایت خط آسمان در نمای ساختمان‌های مجاور
خوانایی و نفوذ پذیری	بازشوها و ورودی‌ها	مقیاس و ابعاد	ایجاد حس تعلق، خاطره‌انگیزی و تداعی معانی فرهنگی	توجه به استمرار ارزش‌ها و معیارهای مطلوب گذشته	در نظر داشتن فضای پر و خالی و الزامات حجمی
			توجه به معناداری و قابل درک بودن در نظر داشتن مقیاس انسانی و توجه به مقیاس زمینه	استفاده از نمادها و نشانه‌های مطلوب فرهنگی	ایجاد حس تعلق، خاطره‌انگیزی و تداعی معانی فرهنگی
			سهولت دسترسی به فضا و کیفیت نفوذپذیری جداره	توجه به استمرار ارزش‌ها و معیارهای مطلوب گذشته	توجه به استمرار ارزش‌ها و معیارهای مطلوب گذشته

دیدگاه‌های محققان

چگونگی

توجه به ابعاد

نقد محتوایی و اجرایی دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم؛ از مفهوم هویت تا واقعیت کالبدی

یکی از بنیادی‌ترین کاستی‌های دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم، فقدان تعریف مشترک و قابل‌سنجش از مفهوم «معماری ایرانی-اسلامی» است. اگرچه رعایت میانی و اصول معماری اصیل ایرانی-اسلامی در دستورالعمل الزامی دانسته شده، ابزار دقیقی برای تشخیص و ارزیابی میزان تحقق آن در اختیار طراح و مرجع بررسی نما قرار نگرفته است. این ابهام از آن جهت اهمیت دارد که تقلیل معماری ایرانی-اسلامی به عناصری همچون آجر، قوس، کاشی، نقوش سنتی یا رنگ‌های خاص می‌تواند به تولید نماهایی منجر شود که صرفاً واجد «ظاهر تاریخی» هستند، بی‌آنکه منطق فضایی، اجتماعی و فرهنگی معماری ایرانی را بازتاب دهند. در مقابل، تعریف این مفهوم بر پایهٔ اصولی همچون تناسب، زمینه‌گرایی، حریم، سلسله‌مراتب، ارتباط با طبیعت، کیفیت فضای عمومی و پیوند با فرهنگ محلی، امکان انطباق آن با معماری معاصر را افزایش می‌دهد. بنابراین، ضابطه باید از صرف توصیف «نتیجه مطلوب» فراتر رفته و فرایند و معیار دستیابی به آن نتیجه را نیز مشخص کند. جدول ۲ به نقد بندهای آیین‌نامهٔ سیما و منظر شهر قم و کاستی‌های آن پرداخته شده است.

کارآمدی ضوابط، نه در متن سند، بلکه در واقعیت کالبدی شهر قابل مشاهده است. بررسی میدانی اولیه در منظر شهری قم نشان می‌دهد نماهای جدیدی که بعد از ابلاغ این آیین‌نامه احداث شده از نظر انسجام و وحدت بصری، رعایت حریم، سلسله‌مراتب فضایی، استفاده از مصالح بومی و تناسبات هندسی با اصول مورد تأکید اسناد فاصله دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که میان «وجود ضابطه» و «تحقق ضابطه» شکافی جدی وجود دارد. از این‌رو، ارزیابی کارآمدی دستورالعمل باید علاوه بر محتوای آن، وضوح معیارها، ابزارهای ارزیابی کمیته نما، تقسیم مسئولیت میان نهادها، استمرار نظارت پس از صدور مجوز و ضمانت اجرای تخلفات را نیز دربرگیرد. باین حال، نسبت دادن این شکاف صرفاً به ضعف ضوابط یا عملکرد طراحان و سازندگان، مسئله را ساده‌سازی می‌کند. ساخت‌وساز شهری تحت تأثیر عواملی همچون قیمت زمین، هزینه و سرعت ساخت، ارزش فروش، منافع اقتصادی سازندگان و ترجیحات مصرف‌کنندگان قرار دارد. بنابراین، حتی ضابطه‌ای که از نظر معماری و هویتی مطلوب باشد، در صورت ناسازگاری با ساختار اقتصادی ساخت‌وساز، الزاماً تحقق نخواهد یافت. از سوی دیگر، مشارکت محدود شهروندان و استفاده‌کنندگان در تدوین معیارهای سیما و منظر می‌تواند موجب شود ضوابط بدون شناخت کافی از نیازها و ترجیحات اجتماعی شکل گیرند. از این منظر، شکل‌گیری «نمای ایرانی-اسلامی» نیازمند فرایندی مشارکتی میان متخصصان، مدیریت شهری، سازندگان، ساکنان، نهادهای میراث فرهنگی و سایر ذی‌نفعان است. در نهایت، نقد ضوابط نباید به سطح نما محدود بماند. منظر شهری حاصل تعامل نما با قطعه‌بندی زمین، پاکت حجمی، ارتفاع بنا، خط آسمان، نحوه استقرار ساختمان، جهت‌گیری معابر، فضاهای باز و نیمه‌باز و روابط همجواری است. بنابراین، اگر هدف سیاست‌گذاری، تحقق منظر شهری هویت‌مند و منطبق با اصول ایرانی-اسلامی است، تمرکز صرف بر نمای ساختمان کافی نیست و باید دامنه ضوابط از نما به نظام فضایی و کالبدی شهر گسترش یابد. بر این اساس، کارآمدی سیاست‌گذاری زمانی افزایش خواهد یافت که سه سطح به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد: تعریف روشن مفهوم هویت، تبدیل آن به معیارهای قابل‌سنجش و پیوند دادن معیارها با سازوکارهای اجرایی، اقتصادی و اجتماعی تحقق آن‌ها (تصاویر ۲ و ۳).

بند / مضمون آیین‌نامه قم	مؤلفه	محتوای ضابطه	مبنای نقد	کاستی یا ابهام ضابطه	پیامد احتمالی
بند ۴-۱	هویت ایرانی- اسلامی	رعایت مبانی و اصول معماری اصیل ایرانی اسلامی و الگوی حاکم بر معماری بومی قم الزامی است.	هویت معماری مفهومی چندبعدی و زمینه‌مند است.	مؤلفه‌های قابل تشخیص و معیار ارزیابی «معماری اصیل ایرانی اسلامی» مشخص نشده است.	امکان تفسیر سلیقه‌ای هویت و تقلیل آن به عناصر ظاهری
بند ۴-۱	فرم و سبک معماری	استفاده از سبک و فرم نامتعارف و مغایر با اصول مذکور در طراحی و احداث نما غیرمجاز است.	هرگونه ممنوعیت فرمی نیازمند تعریف معیار «نامتعارف» است.	مشخص نیست نامتعارف بودن بر اساس چه معیار، مقیاس یا مرجع ارزیابی تعیین می‌شود.	محدود شدن نوآوری معماری و تصمیم‌گیری سلیقه‌ای
بند ۴-۲	هماهنگی با محیط	طراحی نما باید با خیابان، محله، عناصر طبیعی، محیط و هنجارهای فرهنگی هماهنگ باشد	هماهنگی در ادبیات منظر شهری الزاماً به معنای شباهت نیست	مقیاس «محیط» و مؤلفه‌های تعیین‌کننده هماهنگی مشخص نشده است.	امکان برداشت‌های متفاوت و گرایش به تقلید صوری
بند ۴-۴/۳-۴	شکل و تناسبات	شکل، مقیاس، مصالح، رنگ و تناسبات حجم باید با محیط پیرامون هماهنگ باشند.	کیفیت منظر حاصل رابطه چند مؤلفه با یکدیگر است.	روش ارزیابی تناسب، نسبت‌ها و میزان قابل قبول تفاوت مشخص نشده است.	تأیید یا رد طرح‌ها بر مبنای قضاوت کارشناسی متفاوت
بند ۴-۳	مقیاس	رعایت مقیاس در ارتباط با محیط پیرامون مورد تأکید است.	مقیاس باید در رابطه با معبر، قطعه، ساختمان مجاور و محور تعریف شود.	مقیاس انسانی، ساختمانی و شهری از یکدیگر تفکیک نشده	احتمال ایجاد گسست مقیاسی
بند ۴-۳	مصالح بومی	استفاده از مصالح بومی برای نما توصیه شده است.	بومی بودن مصالح تنها یکی از عوامل کیفیت نماست.	معیار بومی بودن و اولویت‌بندی آن نسبت به دوام، فناوری، اقتصاد و اقلیم روشن نیست.	استفاده صوری از مصالح بومی بدون تضمین کیفیت کلی نما
بند مربوط به مصالح و بافت تاریخی	بافت تاریخی	رنگ، بافت و مصالح نما در بخش‌های تاریخی باید با زمینه همخوان باشد و ترجیحاً مصالح بومی/ محلی انتخاب شود.	در بافت تاریخی، نوع و میزان مداخله باید زمینه‌محور باشد.	سطح و نحوه سنجش «همخوانی» تعریف نشده است.	امکان تقلید تاریخی یا اعمال معیار واحد بر بافت‌های متفاوت

پند / مضمون آیین نامه قم	مؤلفه	محتوای ضابطه	مبنای نقد	کاستی یا ابهام ضابطه	پیامد احتمالی
بند ۴-۱	رنگ نما	انتخاب رنگ باید با شرایط اقلیمی، معماری بومی و مبانی زیبایی شناسی متناسب باشد.	رنگ یک مؤلفه ادراکی و وابسته به زمینه است.	مشخص نیست هماهنگی رنگ در چه مقیاسی ارزیابی می شود.	تفاوت در قضاوت کارشناسان و محدودیت تنوع کنترل شده
بند ۴-۲	رنگ های تند	استفاده غالب از رنگ های تند و غیر متعارف مانند قرمز، صورتی، بنفش و سیاه منع شده و استفاده محدود از آنها مجاز است.	رنگ باید علاوه بر نوع، در ترکیب، نور و زمینه بررسی شود.	مفهوم «تند» و «غیر متعارف» تعریف دقیق ندارد؛ درصد نیز به تنهایی کیفیت ترکیب را تعیین نمی کند	کنترل صوری رنگ بدون تضمین کیفیت بصری
بند ۴-۵-۱	مصالح غالب نما	در محدوده مرکزی شهر قم حداقل ۵۰ درصد مصالح بدنه و نما باید آجر باشد و ترکیب رنگی مشخصی رعایت شود.	درصد مصالح، کیفیت معماری را به تنهایی تعیین نمی کند	ضابطه بیشتر بر کمیت مصالح تمرکز دارد تا نحوه ترکیب، بافت، جزئیات و تناسب آن با بنا	شکل گیری نماهای مشابه و احتمال تبدیل آجر به عنصر صرفا الزامی
بند ۴-۵	مصلح مکمل	استفاده از سنگ طبیعی و مصنوعی به عنوان مکمل و با رنگ های مشخص مجاز است.	مصالح باید در رابطه با کل ترکیب نما ارزیابی شوند.	معیار کیفیت ترکیب مصالح و نسبت بصری آنها به طور کامل تبیین نشده است.	ترکیب های تکراری و کاهش تنوع کنترل شده
بند ۴-۵	مصلح جدید	استفاده از سایر مصالح تا سقف مشخصی از سطح نما مجاز است.	فناوری و مصالح جدید الزاما ناسازگار با هویت نیستند.	میزان مجاز مصالح به تنهایی نمی تواند سازگاری معماری را تعیین کند.	محدودیت نوآوری در فناوری و مصالح معاصر
ضوابط مربوط به باز شو و شیشه	سطوح شفاف و بازشوها	میزان و نحوه استفاده از سطوح شفاف و بازشوها محدود شده است.	باز شو عملکرد، اقلیم، نور، دید و بیان معماری را تحت تأثیر قرار می دهد.	محدودیت کمی بدون توجه کافی به جهت گیری، اقلیم، عمق نما و عملکرد فضا قابل نقد است.	احتمال تولید نماهای کم انعطاف و کاهش کیفیت نور و ارتباط داخل و خارج

پیامد احتمالی	کاستی یا ابهام ضابطه	مبنای نقد	محتوای ضابطه	مؤلفه	بند / مضمون آیین نامه قم
شکل گیری راهکارهای صوری به جای حل فضایی مسئله حریم	امکان تقلیل حریم به کنترل سطح باز شو یا عناصر پوشاننده وجود دارد.	حریم در معماری ایرانی-اسلامی یک رابطه فضایی و اجتماعی است.	طراحی نما باید با الزامات فرهنگی و حریم سازگار باشد.	حریم	ضوابط مرتبط با باز شو و نما
گسست حجمی و ناهماهنگی در امتداد جداره	معیار مشخصی برای سنجش پیوستگی خط آسمان در مقیاس محور ارائه نشده است.	خط آسمان در مقیاس محور و مجموعه ساختمان معنا پیدا می کند.	خط آسمان به عنوان عامل پیوستگی و هماهنگی بدنه مورد توجه قرار گرفته است.	خط آسمان	تعریف و ضوابط خط آسمان
توجه بخشی به بام بدون کنترل کامل کیفیت حجمی ساختمان	ارتباط میان بام، حجم ساختمان و منظر از بالا به طور جامع تعریف نشده است.	بام بخشی از منظر شهری و محیط زیست شهری است.	نوع پوشش بام و مصالح آن با توجه به اقلیم و تأثیر آن بر دمای شهر مورد توجه قرار گرفته است.	بام و نمای پنجم	بندهای مربوط به بام
اجرای موردی بدون تضمین استمرار عملکرد	سازوکار ارزیابی کیفیت و استمرار نگهداری آن محدود است.	بام سبز باید با اقلیم، نگهداری و ساختار ساختمان هماهنگ باشد.	اجرای بام سبز با رعایت ضوابط و تأیید مرجع مربوط مجاز و توصیه شده است.	بام سبز	بند ۳-۴/ ضوابط بام سبز
کاهش انعطاف در انتخاب فناوری های نوین بام	تأکید بر یک ماده مشخص می تواند بر راهکارهای نوین عملکردی غلبه کند.	بام از نظر انرژی، عملکرد حرارتی و منظر باید همزمان بررسی شود.	استفاده از مصالح طبیعی و ترجیحاً آجر سنتی بر روی سطوح عایق شده بام الزام شده است.	مصالح بام	بند مربوط به بام
پنهان سازی صوری یا انتقال مسئله به بخش های دیگر ساختمان	ضابطه عمدتاً بر حذف دید تأسیسات تمرکز دارد و راهکار معماری یکپارچه آنها را کمتر توضیح می دهد.	کنترل تأسیسات نقش مهمی در کیفیت بصری دارد.	کانال ها، کولر ها، ناودان ها، سیم ها، کابل ها، دودکش ها و لوله تأسیساتی نباید در منظر عمومی قابل مشاهده باشند و ساماندهی شود.	تأسیسات نمایان	ضوابط ساماندهی تأسیسات

پند / مضمون آیین نامه قم	مؤلفه	محتوای ضابطه	مبنای نقد	کاستی یا ابهام ضابطه	پیامد احتمالی
ضوابط تأسیسات و نما	تجهیزات الحاقی	تعبیه تجهیزات بر روی دیوارهای جانبی که موجب اغتشاش بصری شوند ممنوع است و باید در نقشه تأسیسات پیش‌بینی شوند.	هماهنگی تأسیسات باید از مرحله طراحی انجام شود.	نحوه طراحی یکپارچه تجهیزات با پوسته ساختمان مشخص نشده است.	تفاوت میان طرح مصوب و اجرای واقعی
ضوابط عنصر وابسته به نما	تابلو و عنصر الحاقی	عناصر الحاقی باید با کلیت نما و منظر هماهنگ باشند.	نما یک سیستم یکپارچه است.	در صورت نبود معیار روشن، ارزیابی می‌تواند سلیقه‌ای باشد.	افزایش آشفته‌گی بصری در صورت اجرای ناقص
بند ۴-۱۱	حصار و کارگاه ساختمانی	برای محصور کردن پروژه در زمان ساخت، پوشش مشخص و ایمن پیش‌بینی شده است.	منظر شهری در زمان ساخت نیز بخشی از کیفیت محیط است.	توجه به دوره ساخت بیشتر اجرایی است تا بخشی از راهبرد طراحی منظر.	استمرار آشفته‌گی بصری در دوره ساخت
اهداف و بندهای مصالح و رنگ	هماهنگی با اقلیم	هماهنگی نما با اقلیم قم از اهداف اصلی سند است.	اقلیم باید در فرم، سایه‌اندازی، بازشو، مصالح و پوسته بررسی شود.	در برخی ضوابط، اقلیم بیشتر به رنگ و مصالح تقلیل پیدا می‌کند.	کاهش ظرفیت راهکارهای اقلیمی خلاقانه
اهداف دستورالعمل	هویت شهری قم	حفظ و تقویت هویت و اصالت شهر قم هدف صریح سند است.	هویت شهری حاصل ترکیب تاریخ، کالبد و تجربه شهروندان است.	سازوکار تبدیل مفهوم هویت شهری به معیارهای طراحی روشن نیست.	احتمال شکل‌گیری «هویت تصویری» به جای هویت فضایی
فصل ۵	ساختار نظارت	طراح، ناظر و مرجع صدور پروانه در تأیید و اجرای طرح نما مسئولیت دارند.	ضابطه زمانی مؤثر است که معیار ارزیابی آن عینی و قابل تکرار باشد.	ابهام مفهومی برخی معیارهایی تواند کیفیت نظارت را وابسته به برداشت کارشناسان کند.	احتمال تفاوت در تصمیم‌های تأیید و رد نما



تصویر ۲. استفاده از گنبدهای نامتعارف و سنتوری در نمای ساختمان مصداق بارز اشرافی‌گری و هجمه فرهنگی است عدم توجه به قوانین بالادست و معیارهای شهرسازی تأثیر مستقیمی بر اختلال در نما و سیمای شهر دارد. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۳. سیمای شهری از سیلوئت شهری و قوانین مهمی مانند تراکم و سطح اشغال نیز متأثر است و اصلاح این امر نیازمند حساسیت ارگان‌های ذی‌ربط با تخطات اضافه بنا و افزایش سطح اشغال می‌باشد. مأخذ: نگارنده.

نقد حاضر نشان داد که نظام اسناد و ضوابط سیما و منظر شهری قم را نمی‌توان فاقد توجه به هویت ایرانی-اسلامی دانست. طی چند دهه، این مفهوم به‌طور گسترده وارد قوانین، مصوبات و دستورالعمل‌های ملی و محلی شده و از این منظر، مهم‌ترین نقطه قوت نظام موجود، تثبیت هویت ایرانی-اسلامی به‌عنوان یکی از موضوعات رسمی سیاست‌گذاری شهری است. باین‌حال، مسئله اصلی در مرحله تبدیل این گفتمان به معیارهای دقیق و قابل ارزیابی آشکار می‌شود. مفاهیمی مانند «معماری اصیل ایرانی-اسلامی»، «فرم نامتعارف»، «هماهنگی با محیط»، «مصالح بوم‌آورد» و «رنگ مناسب» در برخی موارد فاقد تعریف عملیاتی و روش سنجش روشن‌اند و همین امر می‌تواند زمینه تفسیرهای متفاوت و اعمال سلیقه در فرایند ارزیابی نما را افزایش دهد. از سوی دیگر، تعدد اسناد و نهادهای مرتبط، بدون وجود سلسله‌مراتب و پیوند اجرایی روشن، الزاماً به افزایش کارآمدی منجر نمی‌شود. شکاف میان ضابطه و واقعیت کالبدی نیز صرفاً حاصل ضعف

مقررات نیست و عواملی همچون اقتصاد ساخت‌وساز، قیمت زمین، منافع سازندگان، ترجیحات بازار، ظرفیت نظارت و میزان مشارکت شهروندان در آن نقش دارند. بنابراین، پاسخ به پرسش اصلی نقد آن است که اسناد موجود در تثبیت گفتمان معماری ایرانی-اسلامی موفق بوده‌اند، اما در تبدیل آن به نظامی منسجم، قابل سنجش، اجرایی و الزام‌آور همچنان با کاستی مواجه‌اند. مسئله بنیادین، نه فقدان سند، بلکه شکاف میان مفهوم، معیار، اجرا و ارزیابی است.

بر این اساس، بهبود نظام سیاست‌گذاری سیما و منظر شهری قم نیازمند حرکت از تولید اسناد بیشتر به سمت عملیاتی کردن اسناد موجود است. در گام نخست، باید با مشارکت متخصصان معماری، شهرسازی، تاریخ معماری، علوم اجتماعی و مطالعات اسلامی، تعریف عملیاتی و زمینه‌محور از معماری ایرانی-اسلامی ارائه و سپس مؤلفه‌هایی مانند تناسب، مقیاس، حریم، همجواری، خط آسمان، مصالح، رنگ، ریتم و ارتباط با زمینه به شاخص‌های قابل سنجش تبدیل شوند. تدوین چک‌لیست واحد ارزیابی نما و ایجاد ارتباط مشخص میان اسناد ملی، ضوابط شهری و فرایند نظارت نیز می‌تواند از تفسیرهای سلیقه‌ای بکاهد. همچنین، نقش کمیته‌های نما باید از کنترل صرف به سمت هدایت، ارزیابی و پایش مستمر کیفیت تغییر یابد و در کنار الزامات قانونی، عوامل اقتصادی و اجتماعی نیز مورد توجه قرار گیرند؛ از جمله ایجاد مشوق برای سازندگان، افزایش مشارکت شهروندان و استفاده از ظرفیت ذی‌نفعان محلی. در سطح کالبدی نیز دامنه سیاست‌گذاری باید از «نما» فراتر رفته و مؤلفه‌هایی همچون قطعه‌بندی، حجم بنا، ارتفاع، خط آسمان، نحوه استقرار ساختمان، فضاهای باز و نیمه‌باز و نظام همجواری را دربرگیرد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با مطالعات تطبیقی میان قم و سایر شهرهای تاریخی و مذهبی ایران، امکان استخراج شاخص‌های مشترک و زمینه‌محور را بررسی کنند و ارزیابی پس از اجرا را به‌عنوان معیار اصلی سنجش اثربخشی ضوابط به کار گیرند؛ زیرا موفقیت یک سیاست شهری نه با تعداد اسناد تصویب‌شده، بلکه با میزان تحقق اصول آن در محیط واقعی سنجیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسئله هویت ایرانی-اسلامی در سیما و منظر شهری ایران طی چند دهه از یک دغدغه نظری به موضوعی رسمی در قوانین و سیاست‌های شهری تبدیل شده است. باین‌حال، نقد اسناد مرتبط با شهر قم نشان می‌دهد که افزایش تعداد اسناد الزاما به معنای افزایش کارآمدی آن‌ها نیست. هنگامی که مفاهیمی مانند هویت، اصالت، هماهنگی و معماری ایرانی-اسلامی فاقد تعریف دقیق، معیارهای قابل سنجش، ابزار ارزیابی و سازوکار روشن نظارت باشند، فاصله میان ضابطه و اجرا افزایش می‌یابد. دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم از نظر تأکید بر معماری ایرانی-اسلامی، هماهنگی با زمینه، مصالح، رنگ، تناسب، حریم و کیفیت منظر، ظرفیت‌های قابل توجهی دارد؛ باین‌حال، در بسیاری از موارد معیارهای آن به اندازه‌ای عملیاتی نشده‌اند که بتوان بر اساس آن‌ها با حداقل اختلاف، میزان انطباق یک طرح را ارزیابی کرد. بنابراین، نقد اصلی متوجه اصل هویت ایرانی-اسلامی نیست، بلکه متوجه نحوه تعریف، تفسیر و عملیاتی‌سازی آن در نظام ضوابط شهری است. بر این اساس، تحقق منظر شهری هویت‌مند مستلزم عبور از زنجیره ارزش‌ها به معیار سپس اجرا و در نهایت پایش و ارزیابی است. همچنین، آشفتگی سیمای شهری قم را نمی‌توان صرفاً به ضعف طراح، سازنده یا یک دستورالعمل نسبت داد؛ بلکه این وضعیت حاصل تعامل میان نظام ضوابط، ساختار نهادی، اقتصاد ساخت‌وساز، ترجیحات اجتماعی، ظرفیت مدیریت شهری و میزان مشارکت

شهروندان است. در نتیجه، سیاست‌گذاری آینده به جای افزودن اسناد جدید، باید بر یکپارچه‌سازی اسناد موجود، تعریف دقیق و زمینه‌محور مفاهیم، تدوین شاخص‌های قابل سنجش، تقویت نظارت و مشارکت ذی‌نفعان و ارزیابی پس از اجرا تمرکز کند. تنها از این مسیر می‌توان انتظار داشت که معماری ایرانی-اسلامی از سطح یک گفتمان هویتی فراتر رفته و به کیفیتی واقعی، قابل سنجش و قابل تجربه در منظر شهری قم تبدیل شود.

منابع

- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). *هویت شهر: نگاهی به هویت شهر تهران*. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر.
- پیرنیا، محمدکریم و معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۴). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۷). *از شار تا شهر: تحلیل تاریخی شهر و سیمای کالبدی آن*. دانشگاه تهران.
- حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۱). *شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی* (ع. اقوامی مقدم و م. ملکاحمدی، ترجمه). سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم (ویرایش دوم). (۱۳۹۹). سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۴۰۳). *سند ملی شهرسازی و معماری اسلامی-ایرانی*. مصوب جلسه ۹۰۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۳ خرداد ۱۴۰۳.
- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۸۷). *ضوابط و مقررات ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری*. مصوب ۲۵ آذر ۱۳۸۷.
- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۹۱ الف). *سند جامع ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری*. مصوبه شماره ۱۳۹۱/۳۰/۶۰۶۴۹/۲ دی ۱۳۹۱.
- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۹۱ ب). *ضوابط و شاخص‌های لازم‌الرعایه جهت بازیابی هویت شهرسازی و معماری اسلامی-ایرانی*. مصوب ۱۴ اسفند ۱۳۹۱.
- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۴۰۲). *ضوابط عمومی طراحی نمای بناهای شهری*. مصوب ۲۱ اسفند ۱۴۰۲.
- فارابی، ابونصر. (۱۳۷۶). *السیاست المدنیة* (ح. ملک‌شاهی، ترجمه). سروش.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). *مبانی نظری معماری*. دانشگاه پیام نور.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و رنجیر کرمانی، علی‌محمد. (۱۳۸۷). *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری* (س. ن. اورزمانی، ویراستار). شرکت طرح و نشر پیام سیما: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری.

- Alexander, C. (2016). *Notes on the Synthesis of Form* (S. Zarinmehr, Trans). Rowzaneh. (Original work published 1964)
- Ardalan, N., & Bakhtiar, L. (2001). *The sense of unity: the Sufi tradition in Persian architecture*. Khak. (Original work published 1973)
- Bemanian, M. R. (2007). *The Study of God Central Role About Moslems Architecture*. International Journal of Industrial Engineering and Production Management, 18(5), 37-44. <https://sid.ir/paper/65701/en>
- Burckhardt, T. (1990). *Sacred Art in East & West* (J. Satari, Trans.). Soroush. (Original work published 1967)
- Carmona, M. (2021). *Public places, urban spaces: The dimensions of urban design* (3rd ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315158457>
- Chen, X., Ding, X., & Ye, Y. (2025). Mapping sense of place as a measurable urban identity: Using street view images and machine learning to identify building façade materials. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 52(4), 965-984. <https://doi.org/10.1177/23998083241279992>
- Falamaki, M. M. (2010). *Revitalization of historical monuments cities*. University of Tehran Press.
- Lynch, K. (2016). *The Image of the city* (S. H. Bahreini). University of Tehran Press. (Original work published 1960).
- Majidi, M., & Afzali, A. (2026). Façade as the Narrator of Power: A Case Study of the Historical Fabric of Qom. *Journal of Revitalization School*, 3 (9), 48-63.
- Naghizadeh, M. (2006). *Principles of religious art in islamic culture*. Rahian
- Naghizadeh, M. (2013). *The city of vigilance* (principles, methods, manifestations). Islamic Azad University Science and Research Branch.
- Nasr, S. H. (1996). *Islamic art spirituality* (R. Ghasemian, Trans.). Hekmat. (Original work published 1987)



شماره نهم
آبان ۱۴۰۵

۲۳

- Pineda-Zumarana, J., & Alpaca-Chavez, M. (2024). Revisiting façade design and its contribution to the urban experience in the 21st century. *Journal of Urban Design*, 29(6), 735–752. <https://doi.org/10.1080/13574809.2024.2348553>
- Tavasoli, M. (1986). *Principles and techniques of urban design in Iran*. Ministry of Housing and Urban Planning, Urban Planning and Architecture Office
- Tavasoli, M. (2000). Husayniyya, Takyeh and Musalla. In M. Y. Kiani, *Iranian Architecture Islamic Period*. Samt.
- Tavassoli, M., & Bonyadi, N. (1992). *Urban space design*. Urban Planning and Architecture Studies and Research Center-Iran.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/version4/>)

